



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

روز پرستار
روز جاری عاطفه‌ها
روز دشمن ایمان
در قلب‌های مهربان
روز افتخار انسان
به انسانیت، گرامی باد!

۱۶ آذر روز دانشجو گرامی باد



تقویم و روز شمار ماه جمادی الاول

۵ جمادی الاول: میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها) (سال ۵ ه.ق) و روز پرستار
۱۳ جمادی الاول: سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (به روایت ۷۵ روز)
۲۷ جمادی الاول: تخریب دو گلدسته حرم عسکریین (علیهم السلام) (سال ۱۴۲۸ ه.ق)
۱۶ آذر: روز دانشجو

در این شماره اسوه می‌خوانیم:

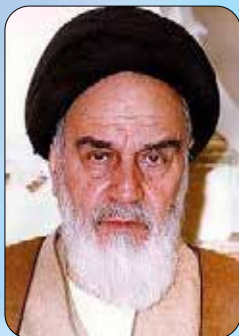
شهید «بابک نوری هریس» از قاب اسوه	پیش‌لرزه‌های سقوطی که حتمی است
محاصره‌ی قلب دنیا	تحصیل علم با کمال جدیت
تأثیر عمل، مورد تکلیف ما نیست	حجاب در اسلام، زندانی شدن زن نیست
عظمت زنانه	تزکیه نفس در آیات قرآن
غزه به زودی با شما سبز خواهد شد	تربیت در محیط رفاقتی (قسمت دوازدهم)

پیش‌لرزه‌های سقوطی که حتمی است

محمدصادق خرسند

جهان شاهد حضور چشمگیر و بی سابقه مردم غرب در محکومیت جنایات اسرائیل است در حالی که برخی کشورهای اسلامی به خواب مرگ فرو رفته اند. بی تابی مردمی که سال‌ها زیر یوغ غول‌های رسانه‌ای صهیونیسم جهانی قرار داشته‌اند، ضمن نشان دادن بیداری مردم جهان و خروج تدریجی از زیر سلطه این رسانه‌ها، یک تابلو از تابلوهای عظیم عاشورا را در برابر دیدگان همه قرار داد که: «ای مردم! اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید» آری! آزادگی به دین نیست و همین آزادگان عالم، روزی که دیر هم نیست، بساط این رژیم کودک‌کش را جمع خواهند نمود.

Name:
الکهدیه نسلیه نوفل
Born: 23.10.6 23.10.13



تحصیل علم با کمال جدیت

رانند. اگر علوم اسلامی مردانی متخصص نداشت، تا کنون آثار دیانت محو شده بود؛ و اگر پس از این نداشته باشد، این سد عظیم مقابل اجانب منهدم می شود و راه برای استثمارگران هر چه بیشتر باز می شود و اگر دانشگاهها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را در دست می گیرند و سرپرستی می کنند. باید جوانان با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند؛ و بهترین و مؤثرترین مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست. و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است.

پیام به انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا
صحیفه امام خمینی (رحمت الله علیه)، ج ۱، ص ۳۲۶-۳۲۷.

باید چه طبقه جوان روحانی و چه دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم، هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمه بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بیخبری است و یا با سوءنیت و از القائات طاغوتی شیطانی است که می خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای استعماری بار بیاورند که همه کس چون همه چیز وارداتی باشد و احتیاج به اجنبی در تمام ابعاد و رشته های علمی هر چه بیشتر روزافزون شود؛ و این خطر بزرگی است که کشور را هر چه بیشتر به عقب می



حجاب در اسلام،

زندانی شدن زن نیست

یادتان هست در چند سال پیش چقدر ابا حجاب دختران دانش آموزا مبارزه می شد؟ دشمن اینها را خوب حساب کرده بود و خوب آگاه بود و خوب احساس خطر می کرد. چرا چند سال پیش، اول سال تحصیلی یکدفعه از طرف مأمورین ساواک که پست های عالی در وزارت آموزش و پرورش داشتند ریختند در مدارس دخترانه، بی خبر داخل کلاس ها شدند و روسری ها را از سر محصلین کشیدند؟ آیا فقط منظور شهوترانی شخصی داشتند؟ اینها از این حرف ها خیلی دارند. احساس خطر می کردند. از نظر آنها دبیرستان هایی (چه پسرانه و چه دخترانه) که در این کشور به وجود آمد که هم تعلیم می داد و هم تربیت دینی و مذهبی می کرد کانون خطر برای آنها بود، و بالاخص از ناحیه دبستان ها و دبیرستان های درست اسلامی دخترانه خطر را بیش از همه جا احساس می کردند. آیا در دو سه سال پیش نبود که دانشگاه تصمیم گرفت که نباید یک خانم باحجاب وارد دانشگاه شود. برای چه؟ اینها آزادی می خواستند؟ یا دیدند عجب! دخترها دارند باسواد می شوند، پاکی خودشان را هم حفظ می کنند و در آینده اینها خطری خواهند بود، به صورت زنان مبارز در خواهند آمد. و چه مقاومت شکوهمندی در همان شرایط اختناق، خانم ها کردند! گفتند ما باید دانشگاه برویم و باید هم پوشش اسلامی خودمان را حفظ کنیم. اینجا بود که در جوانان ما اعم از پسر و دختر، دو بال به موازات یکدیگر رویید: بال آگاهی و بال اراده و عفاف و پاکی، و با این دو بال بود که اینها توانستند در فضای مبارزه پرواز و حرکت کنند.

این مطلب، مقدمه ای بود برای این حرف: اینهایی که در این ایام اخیر که مسئله پوشش اسلامی مطرح شد باز به نام آزادی و حقوق زن شروع کردند به داد و فریاد کردن که آزادی ما از بین رفت، چه کسانی بودند؟ من به خودشان کار ندارم که چه کسانی بودند، شما بهتر می دانید چه کسانی بودند. اینها همان افرادی بودند که در دوره سابق، رهبری خواهرهای شاه را پذیرفته بودند. آیا آنها برای زن آزادی می خواستند؟ اما منطقی در میان است که خود منطق اسلام است: ای خانم! ای زن! تحصیل بکن، درس بخوان ولی پوشش اسلامی را هم حفظ کن.

حجاب در اسلام، زندانی شدن زن نیست.



تزکیه نفس در آیات قرآن



دعوت به «الله» یک دعوت خشک و لفظی و ذهنی نیست. «علی بصیرة» این راه منحصر به فرد من است. «وَمَنِ اتَّبَعَنِي» هر کس در تبعیت من است، راه این است. این راه خیلی مهم و فوق العاده حساس است. ای ناس! ای مردم! «سُبْحَانَ اللَّهِ». این طور هم فکر نکنید که شما زندگی تان را کنید و در حاشیه زندگی تان این کار را به عنوان یک کار خوب انجام دهید. در زندگی خودم هر چه نفسم بخواهد انجام بدهم، اهدافی که در زندگی خودم تعیین کرده‌ام، دنبال کنم، در کنار این‌ها یک اخلاق خوبی هم داشته باشم. این هم خوب است، هر از گاهی هم یک جلسه‌ای باشد، حالی به ما دست بدهد؛ نه؛ «وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ». این راه یک راه خالصی است که کوچک‌ترین غفلت، انسان را به وادی شرک می‌اندازد. باید مسئله را خیلی جدی دنبال کرد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۱ ما قوه‌ای به شما می‌دهیم که در زندگی تان کلید در دست تان باشد؛ در مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، تحلیل‌های سیاسی، موضع‌گیری سیاسی، مدیریت تشکیلات، مدیریت خانواده، مدیریت اقتصادی، تحقیقات در کشف حقایق علمی، در حق بودن اقوال یک موضوع، ارجاع فروع بر اصول، استنباط درست از یک موضوع، هر چه و هر چه شما در زندگی حرکت می‌کنید، این نفس مدام شما را این طرف و آن طرف می‌پیچاند. وقتی آن نفس سرکش از بین رفت، در روز روشن شما می‌بینید که در این بیابان از کجا باید بروی و به کجا برسی.

در این بیابان قشنگ می‌بینید که کجا را انتخاب کرده‌اید، چرا انتخاب کرده‌اید، چگونه باید بروید، بعد چه کار باید کنید، همه این‌ها را تشخیص‌دهنده حق و باطل در فضای روشن می‌بیند.

در مسئله تربیت نفس که بزرگان می‌فرمایند آن قدر راه سخت است که انگار با پلک کوه را می‌کنی؛ اشاره و ناظر به این معنا است که ما هر چقدر هم سخت کوشی بکنیم، اما جهت‌دار نباشد و این عایق را پاره نکند، جز خستگی و سیر خوردگی به جایی نمی‌رسیم. اما اگر کسی مجاهده کند، «وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ»^۲ این قدر هم راه دور نیست، «قَرِيبٌ الْمَسَافَةِ» رحلت به سوی «الله» خیلی نزدیک است. کی؟ وقتی که برنامه‌های تربیتی طوری جهت‌دار باشد که مستقیم برود و غفلت را پاره کند. راهی که با هزار سال نمی‌شد رسید، در یک‌دهم ثانیه می‌توان رسید. باید در آیات، روایات، ادعیه، گلستان و بوستان باغ معصوم (علیه السلام) بگردیم تا ببینیم چه راهکارهایی انسان را از افراط و تفریط باز می‌دارد. تربیت باید قاعده‌مند و طوری باشد که غفلت را پاره کند. هر مقداری که این غفلت پاره می‌شود و بینش و بصیرت انسان به حقایق باز می‌شود؛ به همان اندازه مسیر تربیت او هموار می‌شود.

در قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي...»^۳ راه من فقط همین یک راه است. کشفیات و کرامات و قدرت‌نمایی‌ها و غیب‌گویی‌ها و... نیست. من یک راه بیشتر ندارم. «هَذِهِ سَبِيلِي» راه من همین است که به شما معرفی می‌کنم: «...أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۴؛ تنها راه همین است. دعوت من به سوی «الله» است؛ آن هم با بینش و نه به صورت تحجری، خشک مقدسانه و تقلیدی. من یک بینشی به شما می‌دهم که با این بینش شما حس کنید و مشاهده کنید حق یعنی چه. «حَتَّى يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۴. «يَتَّبِعِنَ» روشن باشد، واضح باشد.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۸۲.
 ۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۸.
 ۳- همان.
 ۴- سوره فصلت، آیه ۵۳.



آزمودن دوست در بُعد نفسانی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت دوازدهم

کارها را نمی‌کند. حالا که انسان است و زبان دارد، بین آیا موقع خشم هر چه به زبانش می‌آید را می‌گوید؟

دومین ملاک؛ هنگام شهوت

حضرت به عنوان دومین ملاک برای آزمودن فرد پیش از دوستی می‌فرماید: «وَعِنْدَ الدَّيْنَارِ وَ الدَّرْهَمِ». این خشم نیست، این شهوت است؛ شهوت نسبت به مال است. یعنی امتحان کن، بین این شخص راجع به پول چگونه است؟ آیا مرزهای شرعی را رعایت می‌کند یا اصلاً به حرام و حلال کاری ندارد؟ این را امتحانش کن. همین طوری او را رفیق خود نخوان و نگو فلانی رفیق ماست.

اینجا یک نکته طلبگی بگویم؛ ظاهر این روایت در مورد روابط اجتماعی است. چون اگر او را به خودت نسبت بدهی و بگویی فلانی رفیق من است، تو هم در اجتماع خراب می‌شوی. چون وقتی مردم جامعه ببینند این شخص در جایی خرابکاری کرد، آبروی تو هم می‌رود. اگر دیدند جایی عصبانی شد و حرفهای بی‌ربط و قبیح و ناپسندی گفت، یا دیدند از هر جایی که رسیده مال مردم را می‌خورد، می‌گویند رفیق توست و کارهای ناپسند او، آبروی تو را هم می‌برد. تازه اینها همه مربوط به ظاهر است؛ یعنی حضرت درباره ظاهرش اینطور می‌فرمایند؛ چه برسد به باطن. چون باطن مهمتر است.

لذا می‌گوییم به طریق اولی وقتی می‌خواهی رفیق انتخاب کنی، بین از نظر درونی‌اش چگونه است. از نظر درونی و باطنی اولویت دارد که ببینی این شخص کیست. چون تو می‌خواهی با انسان رفیق شوی و رابطه درونی پیدا کنی؛ نه با حیوان.

ما بُعد نفسانی هم داریم که انسان باید در بحث صداقت و رفاقت، این را هم در نظر داشته باشد که با هر کسی رفیق نشود و با او بساط دوستی را پهن نکند.

روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) است که می‌فرماید: «لَا تُسَمِّ الرَّجُلَ صَدِيقًا سَمَةً مَعْرِفَةً حَتَّى تَخْتَبِرَهُ...»؛ کسی را به نام دوست نخوان تا اینکه او را بیازمایی؛ یعنی کسی را به عنوان اینکه دوست توست نخوان؛ طوریکه بگوید فلانی رفیق فلانی است، یا خودت بگویی رفیقم فلانی است؛ اصلاً این کار را نکن. «حَتَّى تَخْتَبِرَهُ» نکته اینجاست که باید او را بیازمایی و امتحانش کنی. اختبار یعنی آزمودن. حالا به چه چیز او را امتحان کنی؟ حضرت سه چیز را مطرح می‌فرماید:

اولین ملاک؛ هنگام غضب

اول: «تَغْضِبُهُ فَتَنْظُرُ غَضْبَهُ يُخْرِجُهُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ». خشمش را آزمایش کن. بین آیا این از افرادی است که وقتی عصبانی می‌شود، مرزی را رعایت نمی‌کند؟ آیا خشم، او را از حق به سوی باطل می‌کشاند؟ آیا آنجایی که عصبانی می‌شود، چه در بُعد گفتاری‌اش و چه در بُعد رفتاری‌اش لجامی از شرع به دهانه نفسش زده است؟ یا نه، چون عصبانی شده هر چه به دهانش بیاید، می‌گوید و هر کاری که از دستش برآید، می‌کند؟ این اشاره به بُعد نفسانی است. رفیق می‌خواهی بگیری، از نظر خشم آزمایش و امتحانش کن. چون ممکن است -نعوذبالله- یک مقدر دارذالت داشته باشد. لذا بین مثل حیوان می‌ماند یا انسان است؟ چون حیوان است که وقتی خشمگین می‌شود هر کاری می‌کند؛ هم گاز می‌گیرد، هم لگد می‌زند. انسان که این

شهید «بابک نوری هریس» از قاب اسوه

آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو

در ابتدا توجه شما رو به تعریف علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) از کلمه «سیره» جلب می‌نمایم. سیر یعنی رفتن؛ اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است. آنچه به ما توصیه شده در باب الگو برداری‌ها و عمل کردن‌ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

سؤالی که باید باید باید از خود پرسیم اینک:

چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟

آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟

آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟

می‌فرماید: لکم فی رسول الله اسوه حسنه...

بحث الگو و اسوه داشتن فقط برای مواردی که برشمردیم نیست.

یک کلام: برای عمل کردن مطابق آن سبکی که از آن الگو گرفته‌ایم.

غافل نبود. مشارکت در مشارکت‌های اجتماعی و عام المنفعه مانند هلال احمر یکی از فعالیت‌های بابک است. بابک مسجدی، هیئتی، ورزشکار، بسیجی و ... بود. جوری بود که می‌خواست در همه ابعاد رشد داشته باشد و تک بعدی نباشد.

من و پدرش و کل خانواده بابک را پس از شهادتش شناختیم.»

دوستان شهید در مورد او این‌طور گفته‌اند که بابک پشتکار خیلی زیادی داشت، شاید یک درس را خوب متوجه نمی‌شد، ولی با پشتکارش درس‌ها را با موفقیت پشت سر می‌گذاشت و به‌نظر من همان داشتن روحیه تلاش و پشتکار باعث شهادتش شد.

عاشق بدن‌سازی و فراری از فضای گناه بود. عقاید مذهبی‌اش روز به روز قوی‌تر می‌شد. هر روز قرآن می‌خواند، ارادت ویژه‌ای به شهدا داشت. از فضاهای ناسالم و آلوده به گناه فرار می‌کرد. بابک برای جنبه‌های مختلف زندگی‌اش برنامه‌ریزی کرده بود. او اهل شوخی و مزاح بود. به تیپ و آراستگی‌اش بسیار اهمیت می‌داد. خبر شهادت بابک مثل بمب صدا کرد. خودروی شهید توسط دشمن شناسایی شده بود.

شهید نوری متولد ۲۱ مهر سال ۱۳۷۱ بود که در ۲۸ آبان ۹۶ در منطقه البوکمال به دست تکفیری‌های داعش به شهادت رسید و در یکم آذرماه در رشت تشییع و تدفین شد.

بابک نوری هریس دانشجوی غیور بسیجی، داوطلبانه از شهر گیلان، برای دفاع از حرم بانوی مقاومت حضرت زینب کبری سلام الله علیها به صفوف رزمندگان مدافع حرم در سوریه ملحق شد و در عملیات آزادسازی منطقه البوکمال به فیض شهادت نائل گشت.

شهید نوری به جهت چهره‌ی زیبا و امروزی‌اش در بین جوانان به شهید خوش‌چهره معروف است.

پدرش در وصف او چنین می‌گوید:

«بابک به واسطه سوالات زیادی که از جبهه از من می‌پرسید، دفتر خاطراتم را به او دادم تا مطالعه کند. بابک اخبار سوریه را مداوم دنبال می‌کرد. بیشتر هم‌زمان شهید شده و بابک با این خاطرات بزرگ شد. من و برادرانش خیلی اصرار داشتیم که برود آلمان ادامه تحصیل بدهد، حتی موقعیتش را هم برایش فراهم کرده بودیم، اما خودش قبول نمی‌کرد برود. وقتی خواست به سوریه برود، مردم فکر کرده بودند که بالاخره اصرارهای ما جواب داده و بابک راضی شده به آلمان برود!

وقتی اعزام شد به همه گفتیم با او خداحافظی کنید که دیگر بر نمی‌گردد. بابک وقتی زخمی شده بود در آمبولانس به هم‌زمانش گفته بود که به مادرم بگویید فقط یک بار حرف او را گوش نکردم و مرا حلال کند.» مادر شهید نوری از او این‌چنین یاد می‌کند: «بابک زرنگ و درس‌خوان بود. مقطع ارشد حقوق را در دانشگاه تهران قبول شد. بابک به ظاهرش می‌رسید، اما از باطنش

محاصره‌ی قلب دنیا

چمن خواه

با توام!

با تو! رژیم سفاک، خونخوار و غاصب اسرائیل!

جنایت‌هایت را بشمارم؟

از کدام جنایتت بگویم؟

از استفاده کردن از بمب‌های ممنوعه فسفری.

یا کشتار وحشیانه‌ی کودکان، زنان، سالخورده‌گان و مردم بی‌دفاع غزه.

شهید و زخمی کردن بسیاری از غیرنظامیان.

یا آزار و شکنجه و کشتار اسیران فلسطینی.

به شهادت رساندن خبرنگاران، کادر درمان بیمارستان و کادر هلال احمر.

حمله به بیمارستان‌ها، مراکز پزشکی، درمانگاه‌ها و داروخانه‌ها.

بمباران مدارس، مساجد، مراکز خرید و...

حمله به اردوگاه‌های جبالییا و البریح.

حمله!

حمله!

و باز حمله!

حملات ناجوانمردانه‌ی تو، بیانگر توحش توست.

تو اجازه نمی‌دهی کمک‌های مردمی به مردم غزه برسد، حتی گذرگاه رفح را هم وحشیانه بمباران کردی.

تانک‌ها و خودروهای زرهی‌ات، بیمارستان الشفا در غزه را محاصره کرده‌است.

تو، بزرگترین زندان روباز دنیا را، با انواع ابزارهای جنگی، محاصره کردی.

تو، مردم غزه را آب، برق و دارو، محروم کردی.

به کجا چنین شتابان؟

البته همه‌ی این‌ها، گوشه‌ای از جنایات توست.

جنایت‌های تو در طول تاریخ بی‌سابقه است.

دریای خونی به راه انداختی که خودت در آن، در حال غرق شدن هستی.

تو، مثل یک کلاف درهم تنیده، شده‌ای.

خودت را بی‌آبرو کردی، آبروی که دیگر هیچ وقت بر نمی‌گردد. روی همه جنایتکاران در طول تاریخ را، روسفید کردی

تو، نمی‌توانی ملت‌های منطقه را به زانو در آوری و اراده‌ی مطالبه‌گری آنها را از بین ببری.

به کجا چنین شتابان می‌روی؟

محاسبات، طبق همیشه محکوم به شکست است.

اعتراف به شکست کن.

سر درگمی رژیم غاصبت بر همگان روشن و آشکار شده‌است.

تو، خودت اذعان کردی که با چندین جبهه درگیری و این، نشان قدرت نیروی مقاومت است که در حال گسترش می‌باشد.

جبهه یمن، جبهه لبنان، جبهه سوریه، جبهه عراق و جبهه ایران.

تو که مردم دنیا را حیوان انسان‌نما خواندی، از هر حیوان درنده‌خوبی، وحشی‌تری.

تو کثیف‌ترین، وحشی‌ترین، سنگدل‌ترین، بی‌قانون‌ترین و... رژیم‌ی هستی که دنیا به خود دیده‌است.

هر ده دقیقه یک کودک در غزه به شهادت می‌رسد و این نشان ضعف توست.

نسل کشی تو، جنایت علیه بشریت است.

با این نسل‌کشی، فطرت خفته‌ی انسانها را بیدار کردی.

هزینه‌ی بیداری جهان؛ خون پاک فلسطینی‌هاست.

این را بدان، با این جنایت‌ها که انجام دادی، مردم دنیا از تو متنفر شدند و در بسیاری از کشورها و شهرهای دنیا، علیه تو

تظاهرات کردند و آرزوی مرگت را دارند. و این موضوع همچنان ادامه دارد و در حال گسترش است.

در اروپا، آفریقا و آسیا، هر روز شاهد تظاهرات گسترده علیه رژیم غاصبت هستیم.

مطمئن باش، صدای مظلومیت مردم غزه رانمی‌توانی خاموش کنی.

فرهنگ مقاومت، در حال گسترش و تقویت است.

مقاومت فلسطین، در خط مقدم مبارزه با تمدن غرب است.

تمدنی که فقط به قدرت، ثروت و شهوت‌رانی می‌اندیشد.

آمریکای جنایتکار، از تو که جرئومه‌ی فساد، تمام‌قد حمایت می‌کند.

ولی بدان، پیروزی از آن مردم مظلوم؛ اما مقتدر فلسطین است.

تو، در حال احتضاری، نفس‌های آخرت را بکش.

أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ



تأثیر عمل، مورد تکلیف مان نیست

خاطر است که عقل ما توان درک حکمت و مصلحت آن واقعه را ندارد؛ نمی‌دانیم که این حادثه برای امتحان چه کسانی رخ داده و هر کس چه مقدار در این امتحان شریک است. اما زیبایی کار خدای متعال به این است که مقاصد متعدد و متعالی ضمن یک کار تحقق پیدا می‌کند. در آزمونی مثل جنگ، پیرزنی با اعطای اندکی تدارکات برای جبهه، اوج می‌گیرد و جوان‌هایی با بذل جان خویش به مقامی دست می‌یابند که وصف ناشدنی است؛ اغراضی که اصلاً با در اختیار داشتن چند وجب خاک قابل مقایسه نیست. در کجای تاریخ می‌توان کسانی را مانند جوانان و نوجوانان ما یافت که در طول دفاع مقدس از صمیم دل با خدا ارتباط پیدا کردند یا مادرانی را که لباس رزم بر تن چند فرزند خود پوشاندند و با شهادت هر یک از فرزندان‌شان به آنان افتخار کردند و حتی به خاطر شهادت عزیزانشان گریه هم نکردند؟ این‌ها زیبایی‌های عالم است.

بسیاری از مصالحی را که بر حوادث عالم مترتب می‌شوند، نمی‌دانیم. وظیفه ما این است که مرد وظیفه و تکلیف باشیم. البته تکلیف در بسیاری از موارد تابع نتایج محدودی است که ما می‌توانیم آن‌ها را محاسبه کنیم. در چنین مواردی باید نتایج را محاسبه کنیم. اما این محاسبه هم خود، جزئی از وظیفه است و ما باید بعد از آن اقدام کنیم؛ اما نباید از این که چه نتیجه‌ای حاصل شود نگران باشیم. ما که خدای عالم نیستیم! ما مالک نفس خودمان هم نیستیم. ما تنها باید در پی انجام اوامر الهی باشیم. اگر به ظاهر شکست بخوریم، ممکن است دشمنان ما را مسخره کنند. اما نباید به این امور بی‌ارزش توجه داشته باشیم. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: نفس خویش را بر کتاب خدا عرضه کن! اگر در مسیر قرآن بودی، خوشحال باش و بدان که آنچه درباره تو گفته می‌شود به تو ضرری نخواهد زد.

پس «ما مرد وظیفه‌ایم، نه مرد نتیجه» یعنی نتیجه عینی و پدیده‌هایی که بر عمل ما مترتب می‌شود به دست خدا و تابع اراده اوست. اراده ما نیز یکی از صدها، بلکه هزاران عاملی است که در تحقق آن پدیده‌ها نقش دارند؛ نقشی که خدا به آن‌ها می‌دهد. بنابراین نباید نسبت به اموری که به ما مربوط نیست بی‌جهت غصه بخوریم و یا اگر به نفع ما بود، سرمست و مغرور شویم (لَکَيْلًا تَأْسُؤًا عَلٰی مَا فَاتَکُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاکُمْ).

درس اخلاق جلسه بیست و ششم مرحوم آیت الله مصباح یزدی

ما مکلفیم تا جایی که در توان و قدرت ماست اوامر و نواهی تشریحی را انجام دهیم.

مقصود از قدرت هم قدرت و توان عرفی است، نه عقلی که موجب عسر و حرج هم نباشد (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا).

اما خواه اطاعت صورت گیرد و خواه معصیت، رفتار ما آثاری در عالم هستی خواهد داشت که طبق نظام دیگری به نام نظام تکوین پدید می‌آیند و این نظام مورد قضای الهی است. قضای الهی در احکام تشریحی به معنای حکم کردن است. وقتی خداوند می‌فرماید: وَ قَضَى رَبِّيْكَ أَلَّا تَعْبُدُوْا إِلَّا إِيَّاهُ؛ بدین معناست که خداوند حکم کرد که جز او را عبادت نکنید. عبادت در این جا به معنا پدیده‌ای در عالم خارج نیست، بلکه مقصود بیان یک تکلیف است. اما عملی که به دنبال این تکلیف انجام می‌گیرد، خواه عمل به تکلیف باشد و خواه ترک آن، آثاری خواهد داشت که چه ما بخواهیم یا نخواهیم، و چه بدانیم یا ندانیم، بر آن عمل مترتب می‌شود.

این آثار خود دوگونه‌اند: یکی آثاری است که در دنیا ظاهر می‌شوند؛ مانند فراوان یا کم شدن نعمت‌ها، دفع یا نزول بلاها و...؛ و دیگری آثاری است که پس از مرگ و در قیامت ظاهر می‌گردند. این‌ها آثار تکوینی و مورد قضای تکوینی الهی است و ما باید بدان‌ها راضی باشیم. رضای به قضای الهی تأثیری در تکلیف ما ندارد. هنگامی که ما احساس می‌کنیم اختیار و قدرتی داریم، باید ببینیم در آن جا تکلیف شرعی ما چیست و به دنبال انجام آن باشیم. اما این که این عمل چه تأثیری خواهد داشت، این تأثیر مورد تکلیف ما نیست و ما باید بدان‌ها راضی باشیم. در داستان کربلا می‌بینیم که حضرت زینب سلام‌الله‌علیها به خوبی تکلیف خویش را انجام می‌دهد و در عین حال نسبت به نتیجه می‌فرماید: «ما رأیت الا جمیلاً؛ جز زیبایی چیزی ندیدم.» سیدالشهدا علیه‌السلام نیز بعد از این که شاق‌ترین تکالیف را انجام داد، در آخرین لحظات به پیشگاه الهی عرض کرد: «الهی رضاً بقضائک؛ خدای من! به قضای تو راضی‌ام.» مقصود حضرت از قضای الهی تکلیفی نبود که بر عهده داشت. آن تکلیف و آن قضا از ابتدا مورد رضای حضرت بود. اما آن گاه که در گودال قتل‌گاه می‌فرماید: خدای من! به قضای تو راضی‌ام، بدین معناست که از هیچ یک از حوادثی که رخ داد ناراحت نیستیم. بسیاری از حوادث مطابق میل ما واقع نمی‌شوند، حتی گاهی براساس مبانی دینی، برای حادثه‌ای غصه می‌خوریم. این بدان



عظمت زنانه

زینب کبری شور عاطفه‌ی زنانه را همراه کرده است با عظمت و استقرار و متانت قلب یک انسان مؤمن، و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل الله، و زلال معرفتی که از زبان و دل او بیرون می‌تراود و شنوندگان و حاضران را مبهوت می‌کند. عظمت زنانه‌اش، بزرگان دروغین ظاهری را در مقابل او حقیر و کوچک می‌کند. عظمت زنانه، یعنی این؛ یعنی مخلوطی از شور و عاطفه‌ی انسانی، که در هیچ مردی نمی‌توان این عاطفه‌ی شورانگیز را سراغ داد؛ همراه با متانت شخصیت و استواری روح که همه‌ی حوادث بزرگ و خطیر را در خود هضم می‌کند و روی آتش‌های گداخته، شجاعانه قدم می‌گذارد و عبور می‌کند؛ در عین حال، درس می‌دهد و مردم را آگاهی می‌بخشد؛ در عین حال، امام زمان خود - یعنی امام سجاد - را مانند یک مادر مهربان آرامش و تسلا می‌بخشد؛ در عین حال، با کودکان برادر و بچه‌های پدر از دست داده‌ی آن حادثه‌ی عظیم، در میان آن طوفان شدید، مثل سد مستحکمی برای آنها امنیت و آرامش و تسلا ایجاد می‌کند. بنابراین زینب کبری (سلام الله علیها) یک شخصیت همه‌جانبه بود. اسلام زن را به این طرف سوق می‌دهد.

غزه به زودی

با شما سبز خواهد شد

محیا خوبرو

من گمان می‌کنم شما را
تنها شیعیان‌تان نیستند که می‌شناسند
من گمان می‌کنم شما را
همه‌ی مظلومان و مستضعفانی که یاوری جز
خدا ندارند می‌شناسند
حتی اگر اسم شما را ندانند و بر آیین شما
نباشند، گویا این‌گونه دارد روی می‌دهد که
به دنبال شما بیایند
به دنبال آنچه حقیقت است...
من حدس می‌زنم مادر جوانی که کودکش
را در تاریکی خرابه زیر آتش حرص صهیون در
آغوش می‌فشارد،
با وعده‌ی حضور شماست که او را آرام می‌کند...
و دستی که کودک داغ‌دیده و تنهای غزه را به
آغوش می‌کشد، شما هستید.
من به جای دستان کوتاه خود از نوازش آن
چشم‌های ترسیده و جسم نحیف لرزان، حضور
نورانی شما را برایشان از خدا طلب می‌کنم.
آقا جان،
من ایمان دارم تمام این قطره‌های پاک و سرخ،
بر سر بیدادگران سیلی بنیان‌کن خواهد شد
و صهیون سیاه روزگار قریب غزه، با نگاه شما
به خاکستر خواهد نشست.
و غزه بزودی با شما سبز خواهد شد.
ما با شما در قدس نماز خواهیم خواند.



ثبت نام دومین قرعه کشه



واحد وام موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

آیه ۲۴۵ سوره بقره

خبر خوش، خبر خوش

ثبت نام دومین وام قرعه کشی با مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان بدون کارمزد
۳۰ ماهه، ۳۰ نفر

اقساط ماهانه ۵ میلیون تومان

قرعه کشی کلیه ماهها در ماه اول

جهت آسودگی خاطر عضو محترم، قبل از زمان پرداخت وام به هر عضو مابقی وام بیمه مانده
بدهکار می گردد. هزینه بیمه به عهده وام گیرنده می باشد.
دوستان توجه بفرمایند انصراف بعد از قرعه کشی فقط و فقط منوط به معرفی جایگزین توسط
خود فرد می باشد، در غیر اینصورت انصراف امکان پذیر نمی باشد.

در صورت انصراف بعد از قرعه کشی بدون معرفی جایگزین، قسط اول واریزی عودت داده نخواهد شد.
جهت اطلاع بیشتر و ثبت نام همه روزه از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۴ بعد از ظهر تماس حاصل نمایید.

۵۵۳۹۰۱۲۰ - ۵۵۴۸۲۰۲۵ تلفن داخلی (۱)



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهار راه لشکر - روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۵۵۴۸۲۰۲۵ - ۰۲۱